



رمضان (تعداد روزهای ماه رمضان به روایت شیعه)

پدیدآورده (ها) : رضا زاده ملک، رحیم

تاریخ :: نامه انجمن :: پاییز 1382 - شماره 11

از 4 تا 37

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/107272>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

رمضان

(تعداد روزهای ماه رمضان به روایت شیعیان)

دکتر رحیم رضازاده ملک

در زبان عربی کلمه «شهر»، به معنی ظرفِ مدّت، زمانی است که قرص «قمر» یک دور مدار خود برگردد زمین را طی می‌کند. به موجب حکم قرآنی، دوازده بار گردش قرص قمر به گرد زمین (اثنتی عشر شهراً) را یک سال می‌گیرند:

«ان عدة الشهور عند الله اثنتی عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض...»: «بی‌گمان شمار ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است در کتاب خدا (لوح محفوظ)، روزی که آسمان‌ها و زمین را بیافرید...» [سوره توبه (۹) آیه ۳۶].

در قرآن، از «اثنتی عشر شهراً»: «دوازده ماه»، فقط از «شهر رمضان»: «ماه رمضان» یاد شده است:

«شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فمن شهد منکم الشهر فلیصمه...»: «ماه رمضان، آنکه بفرستادند اندر آن قرآن، راه راست مردمان را و پیدایی راه راست و جدا کردن و هر که حاضر شود از شما اندر این ماه، پس روزه گیرد آن را...» [سوره بقره (۲) آیه ۱۸۵].

در این صورت، «شهر رمضان»: «ماه رمضان» یکی از «اثنتی عشر شهراً»: «دوازده ماه» سال است، ولی سؤال این است که کدامیک از «اثنتی عشر شهراً»: «دوازده ماه» سال، «شهر رمضان»: «ماه رمضان» خواهد بود؟

عرض می‌کنم بنا به روایات تاریخی، به روایتی در همان زمان اعلام رسالت و تبلیغ اسلام توسط پیام آور اسلام و به روایتی بعد از رحلت پیام آور اسلام، ولی در همان اوایل تشکیل حکومت اسلامی، وقتی برای اداره امور حکومتی لازم آمد که یک تقویم سامان یابد، سال آن تقویم را به حکم قرآن «اثنی عشر شهرًا» گرفتند و آن ماه را که پیام آور اسلام از مکه به مدینه هجرت کرد، سومین ماه این تقویم قرارداد کردند و «شهر رمضان» نهمین ماه این چنین تقویم شد و این تقویم و ترتیب قراردادی ماه‌های آن را همه مسلمانان پذیرفتند و تا به امروز نیز چنین است.

یکی از روایات مربوط به تأسیس تقویم را با هم بخوانیم:

«بدان سال که پیغامبر، علیه السلام، هجرت کرد، تاریخ بدان سال در بنهاند، از بهر آنکه تا آن وقت نامه‌ها و حکم‌ها همه بی تاریخ بود. پس گفتند که تاریخ بیاید تا مردمان بدانند که هر چیزی که نویسند، به چه وقت نبشته باشند و رسم عرب و عجم چنان بود. هر آن هنگامی که وقیعتی افتادی، تاریخ از آنجا گرفتندی، چون اصحاب الفیل، چون قحطی که بودی به جهان در. گروهی این تاریخ از وقت طوفان نوح نهادندی و گروهی نیز از وقت وفات آدم نهاده بودند.

پس آنکه که پیغامبران خدای، عز و جل، بیرون آمدند، تاریخ هر اُمّتی از وقت ایشان باز گرفتند. گروهی گویند از آن وقت باز گرفتند که ابراهیم، علیه السلام، را به آتش افگندند و قوم ابراهیم از وقت وفات ابراهیم تاریخ باز گرفتند.

پس چون پیغامبر ما، صلی الله علیه و سلم، بزرگ شد، کافران مکه گرد آمدند و کعبه را ویران کردند، بدانکه دیگر بار نو کردند آن خانه را. تاریخ اهل مکه از آن وقت باز بود. پس چون پیغامبر ما، صلی الله علیه، هجرت کرد، فرمود که تاریخ از هجرت کنند، همه مسلمانان تاریخ از هجرت همی داشتند.

گروهی چنین گویند که: این تاریخ خود از پس پیغامبر نهادند و چنین گویند که عاملی بود ابوبکر را، رضی الله عنه، او را ابوعلی بن اُمیه خواندندی. چنین گویند که این تاریخ او نهاد. ولكن این خبر معروفتر است که این تاریخ خود پیغامبر نهاده است، از بهر آنکه از پیغامبر، علیه السلام، اخبارهاست که او تاریخ نگاه داشتی. چنان که روایت کنند که روز حج الوداع به مکه اندر خطبه کرد و آن باز پسین خطبه بود که پیغامبر کرد و بدان

خطبه اندر چنین گفت: «الا ان الزمان استدار کهیته يوم خلق السموات و الارض، السنة اثني عشر شهراً، و الشهر ثلثون يوماً، منها اربعة حرم، ثلثة متواليات: ذوالقعدة و ذوالحجة و المحرم و رجب الذي بين جمادى و شعبان» [...] و لكن پیغامبر این حدیث از بهر آن کرد که سال از دوازده ماه کمتر شمرند و این ماه رجب از میانه بیفگندندی. خدای عزوجل، این نپسندید و این را به قرآن در یاد کرد، و این را «نسیء» گفت. چنان که گفت: «انما النسیء زیادة فی الکفر...» تا «...یحلونه عاماً و یحرمونه عاماً...» [سورة توبه (۹) آیه ۳۶]. پس این را برگرفت و گفت، عزوجل، بر عقب آن: «ان عدة الشهور عند الله...» الی قوله «...ذلك الذين القیم...» [سورة توبه (۹) آیه ۳۵]. و این از بهر آن گفته آمد تا بدانی که این تاریخ از آسمان آمده است. و از آن وقت باز که خلق اندر این جهان پیدا آمد، این تاریخ هم چنین می رانند تا امروز.»

این روایت که از ترجمه تفسیر طبری به میانه سده چهارم هجری نقل کردم، تأسیس تقویم اسلامیان را از زمان پیامآور اسلام روایت می کند. روایات دیگر که تأسیس تقویم را بعد از رحلت پیامآور - و در همان اوایل تشکیل حکومت اسلامی - حکایت می کنند، متعدّدند. بیشترین تفصیل را محمد بن جریر طبری، در تاریخ الرسل والملوک (مشهور به تاریخ طبری) آورده است. روایتی اندک مختصر در این زمینه را از الآثار الباقیه عن القرون الخالیه ابوریحان بیرونی بخوانیم:

تاریخ هجرت پیغمبر محمد، درود خدا بر او و کسانش باد، از مکه به مدینه: و آن به سال های قمری، به رؤیت هلال است نه به حساب، و همه مسلمانان به این (تاریخ) عمل می کنند و بدین جهت، آن هنگام، جز تولّد و مبعث و وفات، را مختص کردند که: بنا به روایت میمون بن مهران: «چک» ی به عمر بن خطاب عرضه داشتند که محلّ [موقع تأدیه] آن «شعبان» بود. پس عمر گفت: «کدام	تاریخ هجرة النبی محمد، صلی الله علیه و آله، من مکه الى المدينة و هو علی السنین القمریة برؤیة الاهلة لا الحسب و علیه يعمل اهل الاسلام بأسرهم، و انما خصّ هذا الوقت بذلك دون المولد و المبعث و الوفاة لأن: عمر الخطاب، علی رواية میمون بن مهران، لما رفع الیه صک محله فی شعبان. فقال عمر: «ای شعبان؟» الذي نحن فيه او الذي هوأت؟» ثم جمع اصحاب رسول
---	---

شعبان؟، شعبانی که در آنیم یا آن که خواهد آمد؟. پس یاران رسول خدا را گرد آورد و با ایشان کنکاش کرد که حیرتش را در مورد وقت ها رفع کنند. (یاران رسول خدا) گفتند: «چاره را از شیوه ایرانیان بجویم» و هرمان را حاضر کردند و از او جویا شدند. (هرمان) گفت: «ما را حسابی است که ماه روز نام دارد»، یعنی حساب ماه ها و روزها، و «ماه روز» را تعریف کردند و «مورخ» گفتند و مصدر آن را «تاریخ» قرار دادند، و هرمان چگونگی استعمال آن را و آنچه که رومیان مانند آن را به کار می بندند، برای ایشان شرح داد. پس عمر به یاران رسول خدا گفت: «برای مردم تاریخی وضع کنید که به کار بندند».

و نیز شعبی روایت می کند که: «ابو موسی اشعری به عمر بن خطاب نوشت که: «از شما نامه هایی می رسد که بدون تاریخ است» و عمر دیوان ها و قوانین خراج ترتیب داده بود و به تاریخ نیازمند شد و تاریخ های پیشین را دوست نمی داشت. این بود که (یاران رسول خدا را) گرد آورد و با ایشان استشاره کرد و چون آشکارترین اوقات که از هر

اللّه، صلّى اللّه علیه و آله، فاستشارهم فیما دهمه من الحیره فی امر الاوقات. فقالوا: «يجب ان نتعرّف الحيلة فی ذلك من رسوم الفرس». فاستحضروا الهرمان واستعلموه ذلك. فقال: «انّ لنا حساباً نسّمیه «ماه روز» ای حساب الشهور و الايام فعربوا «ماه روز» فقالوا «مورخ» و جعلوا مصدره «التاریخ» و شرح لهم الهرمان کیفیة استعمالهم ذلك و ما علیه الروم من مثله. فقال عمر لاصحاب رسول اللّه: «ضعوا للناس تاریخاً يتعاملون علیه».

فروی الشّعبی أنّ: ابا موسی الاشعری كتب الى عمر بن الخطاب انه «تاتینا منك كتب لیس لها تاریخ» و قد كان عمر دوّن الدواوین و وضع الخرجة و القوانين و احتاج الى تاریخ و لم یحبّ التاریخات القديمة. فجمع علیه عند ذلك و استشار، فكان اظهر الاوقات و ابعدها من الشّبه و الآفات وقت الهجرة و موافاة المدينة و كانت یوم الاثنين لثمان خلون

من ربيع الاول و اول السنة يوم الخميس،
فعمل عليها و اَرخ منها احتاج اليه و ذلك
في سنة سبع عشرة الهجرة.»
آفت و شبه دور بود، هنگام هجرت
(رسول خدا را) بود که به مدینه رسیده -
که آن روز دوشنبه، هشت روز گذشته از
ربیع الاول که اول آن سال پنجشنبه بود -
بود، بدان عمل کردند و بدانچه نیازمند
مسی شدند، از آن هنگام تاریخ
می گذاشتند، و آن در هفدهمین سال
هجرت بود.»

به هر صورت، در این تقویم، «شهر رمضان»: «ماه رمضان»، نهمین ماه سال تعیین
شد و عرض کردم که این تخصیص نهمین ماه سال به عنوان «شهر رمضان» از سوی همه
مسلمانان، تا به امروز، پذیرفته شده است. اما سؤال دیگری که برای هر فرد مسلمان که
مصمم به ادای فریضه قرآنی است، از ابتدای برقراری تقویم مسلمانان مطرح بوده و
هست، اینکه تعداد روزهای ماه رمضان چند روز است؟



مدّت زمان گردش قرص «قمر» به گرد زمین، به طور متوسط، ۲۹ شب‌اروز و ۱۲
ساعت و ۴۴ دقیقه و ۳ ثانیه است. به عبارت دیگر، مدّت زمان گردش قرص قمر به گرد
زمین از ۳۰ شب‌اروز کمتر و از ۲۹ شب‌اروز بیشتر است. و حال سؤال هر فرد مسلمان، در
نظام «اثنی عشر شهره»: «دوازده ماه»، این می تواند باشد که «شهر رمضان»: «ماه رمضان»
۳۰ شب‌اروز است یا ۲۹ شب‌اروز؟

این سؤال، از منظرهای مختلف می تواند مورد بررسی قرارگیرد. یکی از منظرها،
لااقل از دیدگاه فرد مسلمان شیعی، مراجعه به روایات و احادیث مروی از پیام آور اسلام
و امامان شیعیان است. در این مقال، روایات و احادیث مروی از پیام آور اسلام و امامان
شیعیان، درباره تعداد روزهای ماه رمضان را، تک تک برمی رسیم و در این روند، به منابع
تقویمی، منابع تاریخی و هم منابع آیینی، تا آنجا که در دسترس است، مراجعه می کنیم:
۱- ابوریحان بیرونی، در کتاب تحدید النهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن که

میان سال‌های ۴۰۷ تا ۴۱۶ هجری قمری سامانش داده، روایت می‌کند:

لَقَوْلِ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: «نَحْنُ قَوْمٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسِبُ، الشَّهْرَ هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا» مَشِيرًا فِي الْمَرَاتِ الثَّلَاثِ بِأَصَابِعِهِ الْعَشْرِ، ثُمَّ «هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا» وَخَسَّ ابْهَامَهُ فِي الثَّالِثَةِ.

پیغمبر، درود خدا بر او باد، گفت: «ما مردمی هستیم که نمی‌نویسیم و حساب نمی‌کنیم. ماه این و این و این است» و در هر سه بار با ده انگشت خود اشاره کرد، و آنگاه (گفت): «این و این و این» و در بار سوم انگشت ابهام خود را پنهان کرد.

چنان که از این روایت بر می‌آید، پیام‌آور اسلام، ماه‌های سال قمری مسلمانان را یک در میان ۳۰ شب‌روزی و ۲۹ شب‌روزی می‌دانسته‌اند. با این حساب، ماه رمضان که نهمین ماه سال قمری قرار داده شده، ماهی ۳۰ شب‌روزی خواهد بود.

۲- در بخشی از نزهت‌نامه علایی، نوشته شهردان بن ابی‌الخیر به سده پنجم هجری، موضوع تشخیص روز اجتماع مطرح شده است. وجه سامان یافته آن تکه از نزهت‌نامه علایی، چنین است:

«دانستن روز اجتماع. چنان گویند که جعفر صادق، رضی الله عنه، این را بابی نهاده است و نسقی و طریقی ساخته و از اینجا حفظ شاید کردن:

علامت سی (۳۰) سال این است «داوژه‌بز، داوژه‌بو، داوژه» که به هر هشت (۸) سال بر یک نسق است الا سال شانزده (۱۶) و بیست و چهار (۲۴) که «ز» به «و» بگردد، و علامت دوازده (۱۲) ماه این است «زبجه‌واید هزاج». عمل آن است که: از سال‌های هجرت، چندان که بر آید سیصد و شصت (۳۶۰) بیفگنی، و به هر سیصد و شصت (۳۶۰) سال، چهار (۴) برگیری، و از آنچه بماند به هر سی (۳۰) سال پنج (۵) برگیری، و آنچه تمام سی (۳۰) نباشد، در علامت سال‌های سی (۳۰) گانه بجویی و بینی تا چیست، بر او افزایی، و آن که تو را باید از علامت دوازده (۱۲) ماه بیابی و به اضافت بری، و آنگاه از آن مجموع، چندان که بر آید هفت (۷) گان وضع کنی. آنچه بماند علامت روز اجتماع آن ماه است.»

در مورد این روایت، دو توضیح بایسته است:

توضیح اول اینکه روز اجتماع، روز پیش از روز غُرّه ماه قمری است. توضیح دوم اینکه تعادل ترتیب اعداد، در نظام ابجدی و اعشاری، چنین است:

۵	ه	۱	ا
۶	و	۲	ب
۷	ز	۳	ج
:	:	۴	د

در این صورت، اگر بخواهیم بدانیم که مثلاً روز اجتماع ماه رمضان سال ۱۴۲۴ هجری قمری چه روزی از روزهای هفته است، بنا به دستور العمل داده شده در این روایت:

$$۱۴۲۴ = (۳ \times ۳۶۰) + ۳۴۴$$

$$۳۴۴ = (۱۱ \times ۳۰) + ۱۴$$

$$۳ \times ۴ = ۱۲$$

$$۱۱ \times ۵ = ۵۵$$

$$۱۴ \Rightarrow ۵ \text{ (داو جزه بز...)} = ۱۴$$

$$۵ \Rightarrow \text{ (زبجهواید هزاج)} = \text{رمضان}$$

$$۱۲ + ۵۵ + ۵ + ۵ = ۷۷$$

$$۷۷ = (۱۱ \times ۷) + ۰$$

$$۰ \Rightarrow \text{شنبه}$$

با عنایت به اینکه در این دستور العمل، روز هفته مبدأ تقویم را پنجشنبه ملحوظ داشته‌اند، قاعده مذکور در این روایت دال بر آن است که ماه رمضان همیشه ۳۰ شباروزی است.

۳- در کتاب عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات، تصنیف زکریا محمد بن محمود المکمونى القزوينى، به سال ۶۵۸ هجری قمری که فضل الله بن محمد جعفر استرآبادی، در سده نهم هجری، یا بعد از آن، به فارسی برگردانده، آمده است: «...از امام جعفر صادق (ع) مروی است که فرمود: "اگر تشخیص روز اول شهر رمضان

بر کسی مشکل شود، باید که روز پنجم از روز هفته اول شهر رمضان سال گذشته را بنگرد تا کدام روز از روزهای هفته بود، که روز اول شهر رمضان سال آینده، همان روز از روزهای هفته باشد. "و چنین گویند که این حساب را تا پنجاه سال اعتبار کردند و موافق آمده."

چون روز اول هر ماه (روز ۱) به اضافه روزهای یک سال قمری، یعنی ۳۵۴ روز، خواهد شد $355 (= 354 + 1)$ روز که تسویه آن به روزهای هفته (۷) خواهد شد $5 + (50 \times 7) = 355$ ، پیداست اساس و شالوده این روایت، محاسبه سالهای قمری به شیوه اوسط است که در آن شیوه، ماه رمضان همیشه ۳۰ شب‌اروز است.

نظمی که در روایت، برای تشخیص روز هفته روز اول ماه رمضان آمده، در صورتی است که سال قمری، همواره ۳۵۴ روز محسوب شود و حال آنکه، بر اساس محاسبه اوسط، در یک دوره ۳۰ ساله، ۱۱ سال قمری مکبوس است که در آن سال‌ها، با اضافه کردن یک روز بر پایان ماه ذیحجه، سال قمری ۳۵۵ روز منظور می‌گردد.

در این صورت، روز هفته روز اول ماه رمضان، در هر سال بعد از یک سال غیر مکبوس (یعنی ۱۹ سال از یک دوره ۳۰ ساله)، پنجمین روز هفته از روز هفته اول ماه رمضان سال گذشته، و در هر سال بعد از یک سال مکبوس (یعنی ۱۱ سال از یک دوره ۳۰ ساله)، ششمین روز هفته از روز هفته اول ماه رمضان سال گذشته خواهد بود. سامان این روایت، به جدول، چنین است:

روز هفته روز اول ماه رمضان سال گذشته	روز هفته روز اول ماه رمضان سال بعدی (اگر سال گذشته عادی باشد)	روز هفته روز اول ماه رمضان سال بعدی (اگر سال گذشته مکبوس باشد)
شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
یکشنبه	پنجشنبه	آدینه
دوشنبه	آدینه	شنبه
سه شنبه	شنبه	یکشنبه
چهارشنبه	یکشنبه	دوشنبه

سه شنبه	دوشنبه	پنجشنبه
چهارشنبه	سه شنبه	آدینه

۴- در کتاب الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، گرد آورده ابوریحان بیرونی در سال‌های میان ۳۹۰ تا ۴۴۰ هجری قمری، روایاتی چند از قول پیام‌آور اسلام و امامان شیعیان آمده است که تک تک آنها را بر می‌رسیم:

۱۰۴. «روی عنه (النبی)، علیه السلام، انه قال: «نحن قوم أمیون، لانکتب و لانهب، الشهر هکذا و هکذا و هکذا» و کان یشیر فی کلّ واحدة منها باصابعه العشر، یعنی تماماً ثلاثین یوماً، ثم اعاد فقال: «و هکذا و هکذا و هکذا» و خنس ابهامه فی الثالثة، یعنی ناقصه تسعة و عشرين یوماً.»

۱۰۴. «از پیام‌آور، درود خدا بر او باد، روایت شده است که گفت: «ما مردمی امی (درس نخوانده) هستیم که نه می‌نویسیم و نه حساب می‌کنیم. ماه این و این و این است و در هر بار با ده انگشت خود اشاره کرد، یعنی سی (۳۰) روز تمام. سپس باز گفت: «و این و این و این» و بار سوم انگشت ابهام خود را بست، یعنی بیست و نه (۲۹) روز ناقص.»

همین روایت را، چنان که پیشتر گذشت (۱)، هم بیرونی در کتاب تحدید النهایات... نقل کرده است، که در هر صورت، دلالت بر آن دارد که پیام‌آور اسلام، ماه‌های سال قمری را یک در میان ۳۰ شباروز و ۲۹ شباروز می‌دانسته‌اند که در آن ترتیب ماه رمضان سی (۳۰) شباروزی خواهد بود.

۲۰۴. «قال النبی، علیه السلام؛ «صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته، فان غم علیکم، فعدوا شعبان ثلاثین یوماً»

۲۰۴. «پیام‌آور، درود خدا بر او باد، گفت: به رؤیت (هلال) روزه بدارید (ماه روزه را آغاز کنید) و به رؤیت (هلال)

فطر کنید (ماه روزه را به پایان برید). و
اگر بر آنها ابر باشد: (اگر ابر مانع رؤیت
هلال شود) ماه شعبان را به سی (۳۰)
روز کامل کنید.»

این روایت حکایت از آن دارد که آغاز و پایان ماه روزه منوط به رؤیت هلال است.
حال اگر به دلیلی، مثلاً ابری بودن هوا، رؤیت هلال اول ماه رمضان ممکن نشد، ماه
شعبان را باید سی (۳۰) روز محسوب داشت.

۳۰۴. «وفی رواية أخرى: «فان حال ۳۰۴. «و در روایتی دیگر (از پیام آور،
بینکم و بین رؤیته سحاب اوقتام، فاکملوا درود خدا بر او باد): «چنانچه میان شما
العدة ثلاثین.» و رؤیت (هلال) ابر یا غبار بود (که
رؤیت هلال ممکن نشد)، پس (روزهای
ماه) را به سی (۳۰) تکمیل کنید.»

به موجب این روایت، در ابتدا و انتهای هر ماه، اگر هوا ابری یا غبارآلود بود و
رؤیت هلال، مثلاً در اول ماه رمضان یا در پایان ماه رمضان (یعنی هلال ماه شوال) مقدور
نشد، ماهی را که به پایان می‌رسد، باید سی (۳۰) روز محسوب داشت.

۴۰۴. «فی کتب الشیعة الزیدیة... رؤی انّ ۴۰۴. «در کتب شیعیان زیدی... روایت
الناس صاموا شهر رمضان علی عهد شده است که مردم، در دوران
امیرالمؤمنین، علیه السلام، ثمانیة و امیرالمؤمنین، بیست و هشت روز، روزه
عشرین یوما، فامرهم بقضاء یوم واحد، گرفتند. پس ایشان را امر کرد که یک روز
فقضوء» (دیگر هم) به قضاء (روزه بدارند). پس
به قضاء قیام کردند.»

این روایت دال بر آن است که ماه رمضان هیچ‌گاه بیست و هشت (۲۸) روز نخواهد

شد.

۵۰۴. «روی عن ابی عبدالله الصادق، علیه السلام، أنّه قال: «یصیب شهر رمضان، ما یصیب سایر الشهور، من الزیادة والنقصان.»

۵۰۴. «از ابی عبدالله الصادق، که درود خدا بر او باد، روایت شده است که همانا گفت: «حالت ماه رمضان، از نظر کمی و زیادی (روزها) همچون سایر ماه‌های (سال) است.»

از این روایت دو گونه استنباط ممکن است:

الف. ماه رمضان از نظر تعداد روزها، همچون سایر ماه‌های هلالی است که به رویت ممکن است ۳۰ روز (الزیادة) و یا ۲۹ روز (النقصان) باشد.

ب. ماه رمضان، نسبت به سایر ماه‌های سال، هیچ مشخصه خاصی که آن را از سایر ماه‌های سال متمایز کند، ندارد و از نظر تعداد روزها، در همان نظام که سایر ماه‌ها قرار دارند و تعداد روزهای آنها (۳۰ روز و ۲۹ روز) مشخص است، قرار دارد.

۶۰۴. «و روی عنه (ابی عبدالله الصادق ع) ایضاً أنّه قال: «إذا حفظتم شعبان، و غمّ علیکم، فعدوا ثلاثین و صوموا.»

۶۰۴. «و همچنین از همو (ابی عبدالله الصادق ع) روایت شده است که گفت: «اگر ماه شعبان را بودید و ابر مانع (رویت هلال ماه رمضان) شد، (ماه شعبان را) سی (۳۰) روز بشمارید و سپس روزه بدارید.»

این روایت از نظر مضمون و حکم، همچون روایت ۳۰۴ است.

۷۰۴. «روی عنه (ابی عبدالله الصادق ع) أنّه سئل عن الالهة، فقال: هی الشهور، فاذا رأیت الهلال، فصمّ، و اذا رأیته

۷۰۴. «از همو (ابی عبدالله الصادق ع) روایت شده است که از «اهله» پرسیدند. پس گفت: (منظور از اهله) ماه‌ها هستند.

فافطر.»

پس همین که هلال را رؤیت کردی، روزه
بدار و همین که (دیگر بار هلال را)
رؤیت کردی، فطر کن.»

در بخش اول این روایت، مضمون آیه ۱۸۹ سورة بقره (۲) آمده است که:
«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاَهْلِهِ، قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ...»: «ای پیامبر از تو می پرسند از هلال ها،
بگو آنها (برای شناخت) اوقات (توسط) مردم است...» و بخش بعدی این روایت، همان
مضمون بخش اول روایت ۲۰۴ است.

۸۰۴. «روی عن الصادق (ع)، انه قال: اذا رأيت هلال رجب، فعدّ تسعة و خمسين يوما، ثم صمّ.»
که گفت: همین که هلال (ماه) رجب را
رؤیت کردید، پنجاه و نه (۵۹) روز
بشمارید و سپس روزه بدارید.»

به موجب این روایت، دو ماه رجب و شعبان، روی هم، ۵۹ شباروز است.
به عبارت دیگر، ممکن نیست تعداد روزهای دو ماه رجب و شعبان، روی هم،
۵۸ (= ۲۹ + ۲۹) شباروز یا ۶۰ (= ۳۰ + ۳۰) شباروز شود و این بدان معنی است که مجموع
روزهای دو ماه متوالی همیشه ۵۹ (= ۳۰ + ۲۹ یا ۲۹ + ۳۰) شباروز است و این همان قرار داد
تعداد روزهای ماه های سال، به شیوه محاسبه اوسط خواهد بود. در این شیوه محاسبه،
ماه رمضان همیشه ۳۰ شباروزی است.

۹۰۴. «رواه عنه (الصادق ع) انه قال: اذا رأيت هلال شهر رمضان لرؤية فعد ثلاثمائة و اربعة و خمسين يوما، ثم صمّ في القابل، فانّ الله، تعالى، خلق السنة ثلاثمائة و ستين يوما، فاستثنى منها ستة

۹۰۴. «از همدو (الصادق ع) روایت کرده اند که گفت: هنگامی که هلال ماه رمضان را رؤیت کردی، سیصد و پنجاه و چهار (۳۵۴) روز بشمار، (و ماه روزه یی را که در پیش است) روزه بدار،

ایام فیها خلق السماوات و الارض، زیرا که خداوند بزرگ، سال را به سیصد و شصت (۳۶۰) روز آفرید، و از آن شش (۶) روزی را که آسمانها و زمین را می آفرید، مستثنی کرد که در حساب نمی آید.»

این روایت، با اندکی توجیه، وجه دیگری از روایت ۳ است که آن نیز از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است و همان توضیحات که در ذیل روایت ۳ گذشت، در مورد این روایت نیز صادق است.

۱۰۰۴. «قد وجدت عند احمد بن محمد بن شهاب، و كان احد المعدودين من اصحاب الجزائر و كبار الدعاة، جدولاً، زعم ان العمل به: ان يؤخذ سنو الهجرة الثامنة، و يزداد عليها اربعة، و يطرح ما اجتمع ثمانية ثمانية، فما بقى اقل، يدخل به في سطر العدد، و ياخذ ما بحياله من اى شهر اراد هو اوله من الاسبوع، و هذا هو جدول اوایل الشهور العربيه:

۱۰۰۴. «نزد احمد بن محمد بن شهاب که یکی از اصحاب جزائر [باطنیان] و از جمله داعیان بزرگ ایشان بود، جدولی یافتم که به آن چنین عمل می کردند: همانا که باید سالهای تامه هجرت را گرفت و بر آن سالها، عدد چهار (۴) را افزود و آن مجموع را هشت هشت طرح کرد. تا آنکه کمتر از هشت (۸) باقی بماند و آن باقی را در سطر عدد جدول یافت و به ازاء آن، روز هفته اول ماه مطلوب را استخراج کرد و این همان جدول روزهای اول ماههای عربی است.

[...] و ذکر هذا الداعي انّ الجدول من عمل جعفر بن محمد الصادق، عليه السلام...
[...] و این داعی می گفت که این جدول را جعفر بن محمد الصادق، که درود خدا بر او باد، ابداع کرده است.»

عرض می‌کنم:

اولاً. همین جدول که در الآثارالباقیه... است، با تفاوت‌هایی در روزهای هفته که عمده به واسطه غلط خوانی اعداد رقومی است، در تنها نسخه بازمانده از «زیج مفرد» که محمد بن ایوب حاسب طبری، در اوایل سده ششم هجری سامان داده، به نقل از تصانیف «الکيا السعيد کوشيار بن لبان الجيلي» نیز آمده است که به «علی رأی الحکما» نسبت داده شده است.

ثانیاً. نحوه یافتن عدد برای داخل شدن به سطر عدد جدول، در نقل از کوشیار، چنین است: «جمله بگیر آن سال کی درش باشی و سیصد و هفتاد از آن بیفگن و باقی کی بماند هشت هشت از آن بیفگن تا آنگاه کی هشت بماند یا کمتر از هشت و پس اندر جدول عدد....»

ثالثاً. با یک نگاه اجمالی پیداست که هم جدولی که از کوشیار نقل شده و هم جدولی که بیرونی داده، برای استخراج روز هفته ماه‌های قمری کفایت می‌کند. لازمه استفاده از چنین جدولی، در اختیار داشتن جدول دیگری که روز اول محرم سال مطلوب را به دست دهد، که پس از معلوم بودن روز اول است محرم سال مطلوب، بتوان به جدول داده شده، رجوع کرد و روز اول سایر ماه‌ها را استخراج کرد. و این بدان معنی است که هم کوشیار و هم بیرونی جدول را ناقص داده‌اند. این قلمزن مدخل سنوات قمری را در زیج ملک (تهران، ۱۳۸۰) به دست داده‌ام.

رابعاً. وجود همین جدول (هر چند ناقص و غلط) حکایت دارد که سامان آن بر اساس دور ۲۱۰ ساله تقویم قمری است. هر گونه جدولی که بر این اساس سامان یابد، با قبولی نظم ماه‌های ۳۰ شباروزی و ۲۹ شباروزی خواهد بود که در آن نظم، ماه رمضان ۳۰ شباروزی است.

۵- در حاشیه نسخه‌ی دست‌نوشته، از زیج الغ بیگ (شماره ۱۸۸۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) بخشی «در معرفت رؤیه هلال از هر ماه» آمده است. وجه سامان یافته آن بخش چنین است:

«در معرفت رؤیه هلال از هر ماه. از قول اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، علیه السلام، روایت است که سه شخص پیش آن حضرت آمدند و عرض کردند که: جمعی مردمانیم، در میان کوهی و نمی دانیم که سر هر ماه چه وقت می شود، چه رؤیت هلال در این مکان ممکن نیست و از سعادت ایام شریفه و فریضه صوم محروم می مانیم.»

آن حضرت از یکی پرسید که: «نام تو چیست؟» گفت: «داو جزه بز» و دیگری «زبجهوا». از آن دیگری پرسید که: «نام تو چیست؟» گفت «بد هزاج».

پس فرمود که: «نام اولین شخص را به سال دادیم، یعنی ملاحظه نمایند که سال چندم است از هجرت، سی سی طرح کنند و به هر سی سال پنج نگاهدارند و آنچه بماند، هشت هشت طرح کنند، اگر یکی ماند «د» و اگر دو بماند «الف» و اگر سه بماند «و» و علی هذا القیاس تا آخر نام آن شخص اول، مگر هیچ نماند که در آن صورت، مانده طرح سی سی را ملاحظه کنند، اگر هشت باشد «ز» و اگر شانزده یا بیست و چهار باشد «و» و هر حرف که بیرون آید، آن را نگاهدارند.

و نام شخص دوم را با نام شخص سیم که اسمشان چنین باشد «زبجهوا بد هزاج» به ماه دادیم، یعنی اگر غره ماه مطلوب محرم باشد «ز» را منظور دارند و اگر صفر باشد «ب» را و اگر ربیع الاول باشد «ج» را و هكذا الى آخر.

پس عدد ماه مطلوب را با عدد سال که محفوظ است و آن پنج ها که نگاهداشته اند، جمع کنند و یک عدد دیگر بر وی افزایند و از مجموع هفت هفت طرح کنند. اگر یکی ماند، غره یکشنبه باشد و اگر دو ماند «دوشنبه» و اگر سه ماند «سه شنبه» و علی هذا القیاس. و این قاعده در معظم معموره با استخراج رؤیه مکّه موافق است. صدق ولی الله، علیه السلام.»

با عنایت به توضیحی که ذیل روایت ۲ گذشت، بر اساس همین روایت ۵، برای یافتن روز اول ماه رمضان سال ۱۴۲۴ هجری قمری، چنین عمل می کنیم:

$$۱۴۲۴ = (۴۷ \times ۳۰) + ۱۴$$

$$۱۴ = (۱ \times ۸) + ۶$$

$$۴۷ \times ۵ = ۲۳۵$$

$$5 \Rightarrow (\text{داو جزه بز...}) = 6$$

$$5 \Rightarrow (\text{زبجهو ابد هزاج}) = \text{رمضان}$$

$$246 = 1 + 5 + 5 + 5 + 235$$

$$1 + (35 \times 7) = 246$$

$$1 \Rightarrow \text{یکشنبه}$$

با توجه به اینکه در این دستورالعمل نیز روز هفته مبدأ تقویم را پنجشنبه ملحوظ داشته‌اند، قاعده مذکور در این روایت دال بر آن است که ماه رمضان همیشه ۳۰ شب‌اروزی است.

۶- در کتاب تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، گرد آورده شیخ حر عاملی، همچون سایر روایات و احادیث که به نحوی با مسائل شرعی مربوط است، روایات و احادیث مربوط به تعداد روزهای ماه رمضان، از قول پیام‌آور و امامان، نیز گرد آمده است. در زیر این روایات و احادیث را به همان نظم و نسق که گرد آورنده مرتب کرده است، با ترجمه فارسی اصل حدیث به شیوه پایخوان، می‌آورم، با این تذکر که از یاد سلسله راویان صرف نظر می‌کنیم:

۱۰۶. [...] احد هما یعنی ابا جعفر (ع) و ابا عبدالله (ع)،

قال: «شهر رمضان یصیب ما یصیب الشهور من النقصان. فاذا صمت تسعة و عشرين یوما، ثم تغیمت السماء، فاتم العدة ثلاثین»
فرمود: «ماه رمضان اصابت کردن و اصابت نکردنش به نقصان (۲۹ شب‌اروز شدن و نشدنش) همچون دیگر ماه‌هاست. پس چون بیست و نه (۲۹)

روز روزه گرفتی، اگر آسمان ابری بود
(: رؤیت هلال ممکن نشد) تعداد
(روزهای روزه داشتن) را به سی (۳۰)
(روز) تمام کن.»

۲۰۶. [...] ابي عبدالله (ع)،

فرمود: «همانا پیام آور خدا (ص) فرمود همانا ماه رمضان چنین و چنین و چنین (است)» (در حالی که) کف (دست‌ها) را می‌بست و می‌گشاد، سپس فرمود: «و چنین و چنین و چنین (است)» (در حالی که در آخرین چنین) انگشت پایانی (یک دستش) را (که آن انگشت) ابهام است، بست.»

پس گفتم: آیا ماه رمضان همیشه تمام (سی (۳۰) شباروزی) است، یا آن نیز ماهی است همچون دیگر ماه‌ها؟ پس فرمود: «آن نیز ماهی است همچون دیگر ماه‌ها.»

سپس فرمود: «همانا علی (ع) بیست و نه (۲۹) روز روزه گرفت. نزد وی آمدند و گفتند: یا امیرالمؤمنین، ما هلال را رؤیت کردیم. پس فرمود: فطر کنید.»

قال: «ان رسول الله (ص) قال ان الشهر هكذا و هكذا و هكذا» يلصق كفيه ويبسطهما، ثم قال: «و هكذا و هكذا و هكذا» ثم يقبض أصبعاً واحدة في آخر بسطه يديه و هي الابهام.»

فقلت: شهر رمضان تام ابدأ أم شهر من الشهور؟ فقال: «هو شهر من الشهور»

ثم قال: «ان علياً (ع) صام عندكم تسعة و عشرين يوماً، فأتوه فقالوا: يا امير المؤمنين قد رأينا الهلال. فقال: «افطروا.»

۳۰۶. [...] أبي عبد الله (ع) أنه،

قال: «فی شهر رمضان هو شهر من الشهور يصيبه ما يصيب الشهور من النقصان»

فرمود: «در (مورد) ماه رمضان (که) آن هم ماهی است (همچون) ماه‌ها (ی) دیگر در) اصابت کردن و اصابت نکردنش به نقصان (: ۳۰ شباروز یا ۲۹ شباروز شدنش).»

۴۰۶. [...] عن أبي عبدالله (ع)، أنه سئل عن الالهة،

فقال: «هي اهلة الشهور، فإذا رأيت
الهِلالَ فصمّ وإذا رأيتَه فافطر.»
پس فرمود: «این هلال‌های ماه‌هاست.
پس هرگاه هلال را رؤیت کردی، روزه
بدار و هرگاه (دیگر بار هلال را) رؤیت
کردی، فطر کن.»

قلت: أرايت ان كان الشهر تسعة وعشرين
يوما اقضى ذلك اليوم؟ فقال: «لا إلا أن
يشهد لك بيّنة عدول، فان شهدوا أنهم
رأوا الهلال قبل ذلك فاقضى ذلك اليوم»
گفتم: (اگر هلال را) رؤیت کردم (و در آن
هنگام) ماه بیست و نه (۲۹) روز (از
رؤیت هلال پیشین گذشته بوده) باشد،
آیا آن روز (روزه داشتن) را قضا کنیم
(: ماه روزه را به پایان بریم)؟ پس فرمود:
«نه، مگر آنکه اشخاص عادل به نزد تو
(به رؤیت شده بودن هلال) شهادت
دهند. پس اگر شهادت دادند که همانا
هلال را پیشتر رؤیت کرده‌اند، پس به آن
(رؤیت خودت و شهادت اشخاص
عادل) روزه را قضا کن. (روزه بگشا و
ماه رمضان را به پایان ببر).»

در مورد این حدیث دو نکته را توضیح دهم:

اول اینکه سؤال از اهله، اشارت به آیه ۱۸۹ سوره (بقره) (۲) دارد که: «يسئلونك
عن الالهة، قل هي مواقيت للناس...»؛ دوم اینکه، در حدیث، احتیاط را، تأکید دارد که
فقط به رؤیت خود اکتفا نکن و از دیگران نیز جویای رؤیت شده بودن هلال باش. در این
مورد، حکایتی از مثنوی، بیش از هر توضیحی گویاست:

«یک حکایت بشنو ای گوهر شناس تا بدانی تو عیان را از قیاس:
ماه روزه گشت در عهدِ عُمر بر سر کوهی دويدند آن نفر

آن یکی گفت: «ای عُمَر، اینک هلال
گفت که: «این مه از خیالِ تو دمید
چون نمی بینم هلالِ پاک را -
آنگهان تو بر نگر سویی هلال»
گفت: «ای شه، نیست مه، شد ناپدید»
سوی تو افگند تیری از گمان»
تا به دعوی لاف دید ماه زد»

تا هلالِ روزه را گیرند فال
چون عمر بر آسمان مه را ندید
ورنه من بیناترم افلاک را
گفت: «- ترکن دست و بر ابرو بمال
چونکه او تر کرد ابرو، مه ندید
گفت: «آری، موی ابرو شد کمان
چون یکی مو کج شد او را راه زد

۵۰۶. [...] أبی جعفر (ع) فی حدیث،

قال: «وإذا كانت علة فاتهم شعبان ثلاثين».

فرمود: «چنانچه علتی (که موجب عدم
رؤیت هلال اوّل ماه رمضان گردد)
باشد، ماه شعبان را به سی (۳۰) (روز)
تمام کن.»



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۶۰۶. و عنه [...]]

فرمود: «روزه (داشتن در) ماه رمضان
(منوط) به رؤیت (هلال) است و به گمان
نیست. ماه رمضان ممکن است بیست و
نه (۲۹) روز و ممکن است سی (۳۰)
روز باشد و اصابت کردن و اصابت
نکردنش به تمام (۳۰ روز) و نقصان (۲۹
روز) همچون ماه های دیگر است.»

قال: «صیام شهر رمضان بالرؤیة و لیس
بالظن و قد یکون شهر رمضان تسعة و
عشرين يوماً و یکون ثلاثین و یصیبه ما
یصیب الشهور من التمام و النقصان.»

۷۰۶. گفت: پرسیدم از ابا الحسن الرضا
(ع) درباره روزی که در آن شک باشد و

۷۰۶. [...] قال سألت أبا الحسن الرضا
(ع) عن اليوم الذي يشك فيه و لا یدری

اهو من شهر رمضان او من شعبان.
مردّد باشیم که (آن روز) از (روزهای)
ماه رمضان است یا از (روزهای ماه)
شعبان.

فقال: «شهر رمضان من الشهور يصيبه ما
يصيبه الشهور من التمام والنقصان،
فصوموا للرؤية و افطروا للرؤية، ولا
يعجبني ان يتقدّمه احد بصيام يوم
الحديث.»

پس فرمود: ماه رمضان ماهی است
همچون دیگر ماه‌ها در اصابت کردن و
اصابت نکردنش به تمام (۳۰ روز) و
نقصان (۲۹ روز). پس به رؤیت (هلال)
روزه بگیرید و به رؤیت (مجدّد هلال)
فطر کنید. در شگفتی نخواهم شد اگر
کسی به روزه داشتن (به روزی که در آن
شک است) بر دیگری پیشی گیرد.

۸۰۶. [...] ابو عبدالله (ع)،
قال: «ان الشهر الذي يقال انه لا ينقص
ذوالقعدة ليس في شهور السنة اكثر
نقصانا منه.»

فرمود «همانا ماهی که گفته می‌شود
نقصان نمی‌پذیرد، (ماه) ذوالقعدة است
(و حال آنکه) از ماه‌های سال، ماهی از
آن نقصان‌پذیرتر نیست.»

۹۰۶. [...] ابی عبدالله (ع) فی حدیث،
قال: «قلت ارأيت ان كان الشهر تسعة و
عشرين يوماً أقضى ذلك اليوم؟»

گفت: «گفتم اگر (هلال) را رؤیت کردم
(و در آن هنگام) بیست و نه (۲۹) روز
(از رؤیت هلال پیشین گذشته باشد) آن
روز (روزه را) قضا کنم؟»

فقال: «لا الآن يشهد لك بيّنة عدول، فان
شهدوا أنهم رأوا الهلال قبل ذلك فاقض
ذلك اليوم.»

پس فرمود: «نه مگر آنکه اشخاص عادل
به نزد تو (به رؤیت هلال) شهادت دهند.
پس اگر شهادت دادند که همانا هلال را
بیشتر رؤیت کرده‌اند، پس به آن (رؤیت
خودت و شهادت اشخاص عادل) آن

روز (روزه‌ات را) قضا کن (روزه بگشا و ماه رمضان را به پایان ببر).»

۱۰۰۶. [...] ابی عبدالله (ع)،

قال: «شهر رمضان یصیبه ما یصیب الشُّهور من الزیادة و النقصان، فان تَغِیْمَتِ السَّمَاءِ یوماً فَأَتَمُّوا العَدَّةَ.»
فرمود: «ماه رمضان، اصابت کردن و اصابت نکردنش به زیادی (۳۰ روز شدنش) و نقصان (۲۹ روز شدنش) همچون دیگر ماه‌هاست. پس اگر آسمان ابری بود: (رؤیت هلال ممکن نشد) تعداد (روزهای روزه داشتن را) تمام (۳۰ روز) کن.»

۱۱۰۶. [...] ابی جعفر (ع)،

قال: «قال امیرالمؤمنین (ع) اذا رأیتُم الهلال فافطروا، او شهد علیه عدل من المسلمین، الی أن قال: و ان غَمَّ علیکم فعدُّوا ثلاثین لیلة ثم افطروا.»
فرمود: «امیرالمؤمنین (ع) فرمود: آنگاه که هلال را رؤیت کردید، فطر کنید؛ یا اینکه اشخاص عادل از مسلمانان بدان (به رؤیت شده بودن هلال) شهادت دهند. تا آنجا که فرمود: اگر (آسمان) ابری باشد (بدانسان که رؤیت هلال ممکن نشود، ماه رمضان را) پس سی (۳۰) شب بشمارید و سپس فطر کنید.»

۱۲۰۶. [...] ابی عبدالله (ع) فی حدیث،

قال: «ان خفی علیکم، فاتمُّوا الشهر الاول ثلاثین.»
فرمود: «اگر (رؤیت شده بودن یا رؤیت نشده بودن هلال) بر شما پوشیده باشد (از دو ماه شعبان و رمضان، یا از دو ماه رمضان و شوال) ماه پیشین را به سی (۳۰) روز تمام کنید.»

۱۳۰۶. [...] ابی عبدالله (ع)،

همانا درباره کسی که گفت بیست و نه (۲۹ روز) روزه گرفته است، فرمود (هر چند) وی را گواهانی از اشخاص عادل شهر به سی (۳۰ شباروز) روزه داشتن باشد، باید به رؤیت هلال (روزه اش را) آن روز قضا کند.»

أنه قال فيمن صام تسعة وعشرين، قال «ان كانت له بينة عادلة على أهل مصر أنهم صاموا ثلاثين على رؤيته قضى يوماً»

۱۴۰۶. گفت: «به ابی عبدالله (ع) گفتم: همانا من در ماه رمضان، بر اساس رؤیت (هلال) بیست و نه (۲۹) روز، روزه داشتم، و (روزی را) قضا نکردم.» گفت: پس فرمود: «من نیز همچنان روزه گرفتم و (روزی را) قضا نکردم.»

۱۴۰۶. [...] قال: «قلت لأبي عبدالله (ع) أتى صمت شهر رمضان على رؤية تسعة وعشرين يوماً وما قضيت» قال: فقال: «وإنا قد صمته وما قضيت»

سپس مرا فرمود: «پیام آور خدا (ص) فرمود: ماه‌ها، ماهی چنین و چنین و چنین (۳۰ شباروز) و ماهی چنین و چنین و چنین (۲۹ شباروز) است.»

ثم قال لي: «قال رسول الله (ص) الشهور شهر كذا وكذا [وكذا] وشهر كذا وكذا [وكذا]»

۱۵۰۶. [...] مثله ألا أنه قال:

سپس مرا فرمود: «پیام آور خدا (ص) فرمود: ماه‌ها چنین است» و فرمود (در حالی که) همه انگشتان دستش را گشوده بود: چنین و چنین و چنین؛ و چنین و چنین و چنین (در حالی که) انگشت ابهام را بسته بود، بر آنها افزود.

ثم قال لي: «قال رسول الله (ص) الشهور شهر كذا» و قال باصابع يديه جميعاً فبسط أصابعه كذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا وكذا فقبض الإبهام وضمها.

فرمود: « جوانی، به اعتراض به وی گفت: همانا من هلال را رؤیت کردم. فرمود: برو و ایشان را آگاه کن.»

قال: «و قال له غلام له و هو معتب: انی قد رأیت الهلال. قال: فاذهب فأعلمهم»

فرمود «پیام آور خدا (ص) فرمود: چنانچه (روز شروع ماه رمضان) بر شما پوشیده باشد، تعداد روزهای (ماه) شعبان را به سی (۳۰) تمام کنید و (به روز) سی و یکم (۳۱) روزه بگیرید.» و به دست (که انگشتانش گشوده بود) گفت: (نشان داد) یک، دو، سه، (و دیگر بار) یک، دو، سه (در حالی که انگشت ابهامش را پوشیده داشت. سپس فرمود: ای مردم، ماهی چنین (۳۰ روز) و ماهی چنان (۲۹ روز) است.»

و علی (ع) فرمود: «با پیام آور خدا (ص) بیست و نه (روز) روزه گرفتیم و قضا نکردیم (تا هلال را) تمام (به ۳۰ روز) رؤیت کردیم.»

و علی (ع) فرمود: «پیام آور خدا (ص) فرمود: هر که در ماه رمضان روزی را که از ماه رمضان نیست، بی آنکه اعتماد داشته باشد: مطمئن باشد) به ماه رمضان بیفزاید، پس مؤمن به خدا نیست و از من نیست.»

۱۶۰۶. [...] أبی جعفر (ع) فی حدیث، قال: «ان رسول الله (ص) قال: و اذا خفی الشهر فاتموا العدة شعبان ثلاثین يوماً، و صوموا الواحد و ثلاثین»

و قال بیده الواحد و اثنان و ثلاثة، واحد و اثنان و ثلاثة، و یزوی ابهامه، ثم قال: «ایها الناس شهر کذا و شهر کذا»

و قال علی (ع): «صمنا مع رسول الله (ص) تسعة و عشرين و لم نقضه و راه تاماً.»

و قال علی (ع): «قال رسول الله (ص) من الحق فی رمضان یوما من غیره معتمداً فلیس بمؤمن بالله و لامنی.»

۱۷۰۶. [...] أبی عبدالله (ع) فی حدیث،

قال: «قلت أ رأيت ان كان الشهر تسعة و
عشرين يوماً أفضى ذلك اليوم؟»

گفت: «گفتم اگر (هلال را) رؤیت کردم
(و در آن هنگام) ماه بیست و نه (۲۹)
روز (از رؤیت هلال پیشین گذشته بوده)
باشد، آیا آن روز (روزه داشتن) را قضا
کنم (ماه روزه را به پایان برم)؟»

فرمود: «نه، مگر آنکه بدان (به رؤیت
شده بودن هلال) اشخاص عادل
شهادت دهند. پس اگر شهادت دادند که
همانا هلال را پیشتر رؤیت کرده اند، پس
به (رؤیت خودت و شهادت اشخاص
عادل) آن روز (روزه ات را) قضا کن
(روزه بگشا و ماه روزه را به پایان بر).

قال: «لا إلا ان يشهد بذلك بينة عدول،
فان شهدوا أنهم روا الهلال قبل ذلك
فاقض ذلك اليوم.»

تحقیقات کاتبی علوم اسلامی

۱۸۰۶. [...] أبی عبدالله (ع)،

قال سمعته يقول: «ما أدري ما صمت
ثلاثين أكثر، أو ما صمت تسعة و عشرين
يوماً، ان رسول الله (ص) قال: شهر كذا و
شهر كذا، و شهر كذا يعقد بيده تسعة و
عشرين يوماً.»

گفت شنیدم که می فرمود: «به خاطر
نمی آورم که بیشتر روزه سی (۳۰) روزه
گرفته ام یا روزه بیست و نه (۲۹) روزه.
همانا پیام آور خدا (ص) فرمود: نشان
داد: ماهی چنین است و ماهی چنین، و
(به ماهی چنین (دوم) (انگشتی را به)
دستش گره کرد (یعنی) بیست و نه روز.»

۱۹۰۶. [...] سألت ابا عبد الله (ع)

عن الاهله، فقال: «هي اهله الشهور، فاذا
رأيت الهلال فصمّ و اذا رأيتاه فافطر»

پس فرمود: «این هلال های ماه هاست.
پس هرگاه هلال را رؤیت کردی، روزه

بدار و هرگاه (دیگر بار هلال را) رؤیت کردی، فطر کن.»

گفتم: «اگر در آن هنگام (از رؤیت پیشین) ماه بیست و نه (۲۹) روز (گذشته) باشد، آیا آن روز (روزه داشتن) را قضا کنیم (و ماه روزه را به پایان ببریم)؟»

پس فرمود: «نه مگر آنکه اشخاص عادل به نزد تو، بدان (به رؤیت شده بودن هلال) شهادت دهند. پس اگر شهادت دادند که همانا هلال را پیشتر رؤیت کرده‌اند، پس به (رؤیت خودت و شهادت اشخاص عادل) آن روز (روزه‌ات) را قضا کن (: روزه بگشا و ماه رمضان را به پایان ببر).»

قلت: «ان كان الشهر تسعة و عشرين يوماً، اقضى ذلك اليوم؟»

قال: «لا، الاّ تشهد لك بيّنة عدول، فان شهدوا أنّهم رأوا الهلال قبل ذلك فاقض ذلك اليوم.»

۲۰۰۶. [...] عن الصادق جعفر بن محمد (ع)، و ذكر مثله الاّ أنّه،

فرمود «مگر آنکه اشخاص عادل به نزد تو شهادت دهند که همانا (هلال را) رؤیت کرده‌اند. پس اگر شهادت دادند، آن روز (روزه‌ات را) قضا کن (: روزه‌ات را بگشا و ماه رمضان را به پایان ببر).»

قال: «الاّ أن يشهد لك عدول، أنّهم رأوه، فان شهدوا فاقض ذلك اليوم.»

۲۱۰۶. [...] ابی عبدالله (ع)،

گفت: «پرسیدم آیا مردی که بیست و نه (۲۹) روز روزه می‌گیرد و با رؤیت

قال: «سألت عن الرّجل يصوم تسعة و عشرين يوماً، و يفطر للرؤية و يصوم

لِلرُّوْيَةِ أَيْقُضَى يَوْمًا؟

(هلال) فطر می کند و با رؤیت (هلال) روزه می گیرد، (روزه اش را) یک روز قضا می کند؟

پس فرمود: «امیرالمؤمنین (ع) فرمود: نه مگر آنکه دو شاهد عادل شهادت دهند ک به شبی پیشتر (هلال) را رؤیت کرده اند (که در آن صورت) یک روز (روزه) قضا می شود.»

فقال: «كان امير المؤمنين (ع) يقول: لا، الا ان يجي شاهدان عدلان فيشهدا انهما رآياه قبل ذلك بليلة فيقضى يومًا.»

۲۲۰۶. [...] قال قلت لأبي عبد الله (ع)،

«شهر رمضان تامّ ابدًا.» فقال: «لا، بل شهر من الشهور»
«آیا ماه رمضان همیشه تمام (۳۰ شبباروزی) است؟» پس فرمود: «نه، بلکه ماهی است همچون (دیگر) ماه ها.»

۲۳۰۶. [...] قال يعني أبا عبد الله (ع):

«يصيب شهر رمضان ما يصيب الشهور من النقصان، فإذا صمت من شهر رمضان تسعة و عشرين يومًا، ثم تغيمت، فأنتم (فأتمم) العدة ثلاثين يومًا.»
فرمود:
«اصابت کردن ماه رمضان (یا) اصابت نکردنش به نقصان (: ۲۹ روز شدن یا نشدنش) همچون دیگر ماه هاست. پس چون در ماه رمضان بیست و نه (۲۹) روز روزه گرفتی، سپس (اگر آسمان) ابری بود (رؤیت هلال ممکن نشد)، تعداد (روزهای ماه رمضان) را به سی (۳۰) روز تمام کن.»

۲۴۰۶. [...] قال قلت لأبي عبد الله (ع):

«ان الناس يقولون ان رسول الله (ص) مردم می گویند پیام آور خدا (ص) بیشتر

صام تسعة و عشرين اكثر ممّا صام ثلاثين. روزه بیست و نه (۲۹) روزه گرفت تا روزه سی (۳۰) روزه.

فقال: «كذبوا، ما صام رسول الله (ص) منذ بعثه الله تعالى، الى أن قبضه أقل من ثلاثين يوماً، و لانقص شهر رمضان منذ خلق الله تعالى السماوات و الأرض من ثلاثين يوماً و ليلة.»

پس فرمود: «دروغ می‌گویند. پیام‌آور خدا (ص) از آن هنگام که از جانب خدای بزرگ (به پیام‌آوری) برگزیده شد، تا آن هنگام که رحلت کرد، کمتر از سی (۳۰) روز روزه نگرفت و از آن هنگام که خدای بزرگ آسمان‌ها و زمین را آفرید، ماه رمضان نقصان نداشته و کمتر از سی (۳۰) شب و روز نبوده است.»

۲۵۰۶. [...] قال قلت لأبي عبد الله (ع): «انّ الناس يروون إنّ رسول الله (ص) صام تسعة و عشرين يوماً» فقال لي أبو عبد الله (ع): «لا و الله. ما نقص شهر رمضان منذ خلق الله السماوات و الارض من ثلاثين يوماً و ثلاثين ليلة.»

«همانا مردم بر این باورند که پیام‌آور خدا (ص) روزه بیست و نه روزه می‌گرفت.»

پس ابو عبدالله (ع) به من فرمود: «نه، به خدا سوگند. از آن هنگام که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، ماه رمضان از سی (۳۰) روز و سی (۳۰) شب نقصان نداشته است.»

۲۶۰۶. [...] أبي عبد الله (ع)، قال: «شهر رمضان ثلاثون يوماً، لا ينقص ابداً.»

فرمود: «ماه رمضان همیشه سی (۳۰) روز است و هیچ‌گاه نقصان نیپذیرفته است (۲۹ شب‌اروزی نشده است).»

۲۷۰۶. [...] أبي عبد الله (ع)،

قال: «شهر رمضان ثلاثون يوماً، لا ينقص و الله ابدأ». فرمود: «ماه رمضان سی (۳۰) روز است، و هیچ‌گاه، به خدا سوگند، نقصان نپذیرفته است (: ۲۹ شباروزی نشده است)».

۲۸۰۶. [...] قلت لابی عبدالله (ع)، «ان الناس يروون عندنا أن رسول الله (ص) صام هكذا و هكذا و هكذا، و حكى بيده يطبق إحدى يديه على الأخرى عشراً و عشراً و تسعاً أكثر مما هكذا و هكذا، يعني عشراً و عشراً و عشراً». همانا مردم زمان ما بر این باورند که پیام‌آور خدا (ص) - در حالی که دو (پنج) دستش را بر هم مطابق می‌کرد و نشان می‌داد - چنین و چنین و چنان (یعنی) ده و ده و نه، بیشتر روزه گرفت، تا آنکه چنین و چنین و چنین، یعنی ده و ده و ده.

قال: فقال ابو عبدالله (ع): «ما صام رسول الله (ص) أقل من ثلاثين يوماً، ما نقص شهر رمضان من يوماً منذ خلق الله السماوات والأرض». گفت: پس ابو عبدالله (ع) فرمود: «پیام‌آور خدا (ص) کمتر از سی (۳۰) روز روزه نگرفت و از آن هنگام که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفریده است، ماه رمضان از سی (۳۰) روز نقصان نپذیرفته است (: ۲۹ شباروزی نشده است)».

۲۹۰۶. [...] قال ابو عبدالله (ع): «لا والله، لا والله، لا والله، ما نقص شهر رمضان، و لا ينقص ابدأ من ثلاثين يوماً و ثلاثين ليلة». «نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند، که ماه رمضان نقصان نپذیرفته (: ۲۹ شباروزی نشده) و هیچ‌گاه از سی (۳۰) روز و سی (۳۰)

شب نقصان نخواهد پذیرفت.»

فقلت لحذیفة: لعله قال لك ثلاثين ليلة و ثلاثين يوماً، كما يقول الناس الليل قبل النهار.

پس به حذیفه گفتم: شاید به تو فرموده باشد سی (۳۰) شب و سی (۳۰) روز، چنان که مردم شب را پیش از روز می‌گویند.

فقال لي حذیفة: هكذا سمعت.

پس حذیفه به من گفت: من چنین شنیدم.

۳۰۰۶. [...] حذیفة بن منصور،

قال: «أتيت معاذ بن كثير في شهر رمضان، وكان معي اسحق بن محول، فقال معاذ: لا والله ما نقص شهر رمضان قط.»

گفت: «در ماه رمضان، معاذ بن كثير نزد من آمد و اسحاق بن محول، بود. پس معاذ گفت: نه به خدا سوگند، هرگز ماه رمضان نقصان نپذیرفته است»

(: ۲۹ شب‌آروزی نشده است).

۳۱۰۶. [...] عن أبي عبد الله (ع)،

في قوله تعالى "و لتكملوا العدة" قال: «صوم ثلاثين يوماً.»

به اعتبار قول (خدای) بزرگ (در قرآن، آیه ۱۸۵ سورة بقره): «عدد را تکمیل کنید»، فرمود: «روزهای روزه (داری) سی (۳۰) روز است.»

۳۲۰۶. [...] قلت لأبي عبد الله (ع)،

«إن الناس يقولون إن رسول الله (ص) صام تسعة و عشرين يوماً أكثر مما صام ثلاثين يوماً.» فقال: «كذبوا، ما صام رسول الله (ص) إلا تاماً و ذلك قول الله

«مردم می‌گویند پیام‌آور خدا (ص) بیشتر روزه بیست و نه (۲۹) روزه گرفت تا روزه سی (۳۰) روزه.» پس (ابی عبد الله ع) فرمود: «دروغ می‌گویند. پیام‌آور خدا

(ص) روزه نگرفت مگر تمام (: ۳۰ روز)
و این قول خداوند بزرگ است (در قرآن
سوره بقره (۲) آیه ۱۸۵) که «عدد را
تکمیل کنید.» پس ماه رمضان سی (۳۰)
روز و (ماه) شوال بیست و نه (۲۹) روز و
(ماه) ذوالقعدة سی (۳۰) روز (است) و
هیچ گاه (ماه رمضان) نقصان نپذیرفته
است (: ۲۹ روز نشده است)، زیرا
خداوند بزرگ (در قرآن سوره الاعراف
(۷) آیه ۱۴۲) می فرماید: «به موسی سی
(۳۰) شب وعده دادیم، و (ماه)
ذوالحجة بیست و نه (۲۹) روز است
سپس (دیگر) ماهها همچنان هستند،
ماه‌های تمام (: ۳۰ روز) و ماهی ناقص
(: ۲۹ روز) و (ماه) شعبان هیچ گاه تمام
(: ۳۰ روز) نمی شود.»

تعالی: «ولتکملوا العدة»، ف شهر رمضان
ثلاثون يوماً، و شوال تسعة و عشرون
يوماً، و ذوالقعدة ثلاثون يوماً، لا ينقص
ابداً لأن الله تعالى، يقول: «وواعدنا
موسى ثلاثين ليلة و ذوالحجة تسعة و
عشرون يوماً، ثم الشهور على مثل ذلك
شهر تام و شهر ناقص و شعبان لا يتم
ابداً.»

۳۳۰۶. [...] (أبي عبد الله ع)،

فرمود: «پیام آور خدا (ص) روزه نگرفت
مگر تمام (: ۳۰ روز. چرا که) فرائض
(: واجبات عبادی) نمیتواند ناقص باشد.
همانا خداوند بزرگ سال را سیصد و
شصت (۳۶۰) روز آفرید و آسمانها و
زمین را در شش (۶) روز آفرید. پس (آن
۶ روز را) از سیصد و شصت (۳۶۰) روز
کاست. پس سال سیصد و پنجاه و چهار
(۳۵۴=۳۶۰-۶) روز، و ماه رمضان سی

قال: «ما صام رسول الله (ص) إلّا تاماً ولا
يكون الفرائض ناقصة، إن الله تعالى خلق
السنة ثلاثمائة و ستين يوماً، و خلق
السموات و الارض في ستة أيام،
فحجزها من ثلاثمائة و ستين يوماً، فالسنة
ثلاثمائة و اربعة و خمسون يوماً، و شهر
رمضان ثلاثون يوماً.»

(۳۰) روز شد.»

۳۴۰۶. [...] ابی عبدالله (ع)،

فرمود: «همانا خداوند پاک و بزرگ، جهان را در شش (۶) روز آفرید. سپس (آن ۶ روز را) از روزهای سال کاست و سال سیصد و پنجاه و چهار (۳۵۴) روز شد. هیچ‌گاه (ماه) شعبان تمام (۳۰ روز) نخواهد شد و به خدا سوگند (ماه) رمضان هیچ‌گاه نقصان نپذیرد (۲۹ روز نخواهد شد) (زیرا) فرائض (واجبات عبادی) نمیتواند ناقص باشد. خداوند عزوجل می‌فرماید «عدد را تکمیل کنید» و (ماه) شوال بیست و نه (۲۹) روز و (ماه) ذوالقعدة سی (۳۰) روز است. خداوند عزوجل می‌فرماید: «به موسی سی (۳۰) شب وعده دادیم و آن را با ده (۱۰) (روز دیگر) تمام کردیم که میقات خدایش به چهل (۴۰) شب تمام گشت و (ماه) ذوالحجّه بیست و نه (۲۹) روز است و ماه محرم سی (۳۰) روز، سپس (دیگر) ماه‌ها (هم‌چنان) تا (۳۰) روز و ناقص (۲۹ روز) خواهد بود.»

قال: «انّ الله تبارک و تعالی خلق الدنیا فی ستة ايام، ثم اختزلها عن ايام السنة، و السنة ثلاثمأه و اربعة و خمسون يوماً، شعبان لا يتم ابدأ، و رمضان لا ينقص و الله ابدأ، و لا تكون فريضة ناقصة، انّ الله عزوجل يوماً و ذوالقعدة ثلاثون يوماً، يقول الله عزوجل: «و اعدنا موسی ثلاثین ليلة اتمناها بعشر فتمّ میقات ربّه اربعین ليلة، و ذوالحجّه تسعة و عشرون يوماً، و المحرم ثلاثون يوماً، ثمّ الشهور بعد ذلك شهر تام و شهر ناقص.»

۳۵۰۶. [...] آنه،

از ابی عبدالله (ع) درباره این قول خداوند بزرگ که: «عدد را تکمیل کنید»

سأل أبا عبدالله (ع) عن قول الله عزّ و جلّ: «و لتكملوا العدة»، قال: «ثلاثین

یوماً. پرسید، فرمود: «(عدد تکمیل شده) سی (۳۰) روز است.»

۳۶۰۶. [...] یاسر الخادم قال: «قلت للرضا (ع): هل يكون شهر رمضان تسعة وعشرين يوماً؟» فقال: «إنَّ شهر رمضان لا ينقص من ثلاثين يوماً أبداً.»
«به رضا (ع) گفتم: آیا ممکن است ماه رمضان بیست و نه (۲۹) روز بشود؟» پس فرمود: «همانا ماه رمضان هیچ‌گاه از سی (۳۰) روز کمتر نمی‌شود (: هیچ‌گاه ۲۹ روز نمیشود).»

۳۷۰۶. [...] أبي عبد الله (ع) أنه، قال (في حديث طويل): «شهر رمضان ثلاثون يوماً لقول الله عز وجل: ولتكمّلوا العدة»، الكاملة التامة قال: «ثلاثون يوماً»
«(در گفتاری بلند) فرمود: «ماه رمضان سی (۳۰) روز است به اعتبار این قول خداوند عزوجل «عدد را تکمیل کنید.» کامل شده همان تمام کرده شده است (که) فرمود: «سی (۳۰) روز (است).»



در بالا، پنجاه و یک روایت و حدیث از پیام‌آور اسلام و امامان شیعیان، درباره تعداد روزهای ماه رمضان، از متون تقویمی و تاریخی و آیینی، استخراج و نقل شد. از این پنجاه و یک روایت و حدیث، یک حدیث (۸۰۶) مربوط به ماه ذوالقعدة است که از حوزه بررسی‌های ما در این مقالت، خارج است. باقی می‌ماند پنجاه روایت و حدیث. از این پنجاه روایت و حدیث :

- چهارده حدیث و روایت (۴۰۴ - ۷۰۴ / ۲۰۶ - ۳۰۶ / ۶۰۶ - ۷۰۶ / ۱۲۰۶ - ۱۵۰۶ / ۱۸۰۶ / ۲۲۰۶). حکایت از آن دارد که تعداد روزهای ماه رمضان منوط به رؤیت عینی هلال است که ممکن است ۲۹ روز و یا ۳۰ روز بشود.

● در شش روایت و حدیث (۴۰۶/۹۰۶/۱۱۰۶/۱۹۰۶-۲۱۰۶) آمده است که اگر بر اساس رؤیت، فردی مسلمان ماه رمضان را ۲۹ روز یافت، نباید به استهلال خود مطمئن شود، بلکه حتماً باید لا اقل دو نفر شاهد عادل بر رؤیت هلال در پایان روز ۲۹ شهادت بدهند، که مفهوم تبعی این دستور آن خواهد بود که هر چند فرد مسلمان ممکن است در غروب روز ۲۹ ماه رمضان هلال ماه را رؤیت کرده باشد، ولی اگر دو فرد مسلمان عادل نیافت که بر رؤیت هلال شهادت بدهند، باید ماه رمضان را ۳۰ روز محسوب دارد.

● در هشت روایت و حدیث (۲۰۴-۳۰۴/۱۰۶/۵۰۶/۱۰۰۶-۱۱۰۶/۱۶۰۶/۲۳۰۶) آمده است که به هر دلیلی، وضعیت هوا طوری بود که رؤیت هلال ممکن نشد (مثل ابری بودن هوا، همچون کثرت غبار در هوا،...)، ماه رمضان را ۳۰ روز باید محسوب داشت.

● در دوازده روایت و حدیث (۲۴۰۶-۳۱۰۶/۳۳۰۶/۳۵۰۶-۳۷۰۶) آمده است که ماه رمضان همیشه ۳۰ روز است.

● در ده روایت و حدیث (۱/۲/۳/۱۰۴/۸۰۴/۱۰۰۴/۵/۳۲۰۶/۳۴۰۶) همان اصول معمول در محاسبه اوسط تقویم قمری که ماه‌های سال یک در میان ۳۰ روز و ۲۹ روز حساب می‌شود، توصیه گردیده است که در این نظام، ماه رمضان ۳۰ روز، محسوب می‌شود.

در این صورت از ۵۰ روایت و حدیث درباره تعداد روزهای ماه رمضان، ۱۴ حدیث و روایت دلالت دارد که تعداد روزهای ماه رمضان منوط به رؤیت هلال است که ممکن است ماه رمضان ۲۹ روز یا ۳۰ روز بشود و ۳۶ روایت و حدیث، به نحوی بر ۳۰ روز بودن ماه رمضان دلالت دارد.



در مورد مجموعه این روایات و احادیث، چند توضیح را یادآور شوم:

اول اینکه، چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید، تعدادی از این احادیث، هرچند از قول راویان متفاوت یاد شده‌اند، مضمونی مشابه و یکسان دارند که با نقد علمی، می‌توان احادیث واحد المضمون را در یک گروه قرار داد.

دوم اینکه، تعدادی از این روایات و احادیث نمی‌تواند از نظر منطقی صحت داشته باشد، چرا که مثلاً از معصوم واحد، در موارد مختلف، روایات مختلف‌المضمون روایت شده است.

سوم اینکه، با نگاهی آماری بدین احادیث، معلوم می‌شود که پیام‌آور اسلام و امامان شیعی، در ۲۸ درصد از اقوال خود، با عنایت به حرکت‌های متعدد غیرقابل پیش‌بینی و دائماً در حال تغییر قرص قمر بر گرد زمین، شروع هر ماه قمری را منوط به رؤیت هلال، و در ۷۲ درصد از اقوال خود، با توجه به توانایی‌های آدمی به محاسبه و تمایل وی به نظام دادن هر چند نسبی آنچه که به صورت و ظاهر غیرنظم یافته می‌نماید، اصل کل «خیرالامور اوسطها» را ملاک گرفته و رعایت تعداد روزهای ماه‌های سال‌های قمری بر اساس امر اوسط را توصیه فرموده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی